



Anti-poverty Efforts of Non-Governmental Organizations and the Poor

Sedigheh Piri¹ | Niousha Salehpour²

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: sedighe.piri@atu.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

E-mail: nioushasalehpour1@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 02 March 2023

Received in revised form: 08 July 2023

Accepted: 21 July 2023

Published: 20 September 2023

Keywords:

Poverty,
NGO,
Realities of the Poors'
Lives,
Tehran.

The purpose of this article is to examine the efforts made by non-governmental organizations (NGOs) in Tehran to alleviate destitution. It also attempts to answer the crucial question of whether these actions are consistent with the realities of the poor's lives.

The research method used is qualitative content analysis. The sample consists of 29 participants, including NGO representatives, individuals intimately involved with the poor, and the poor themselves. This research employs the organizational ecology theory, institutional theory of poverty, spatial approach to poverty, social exclusion, weak ties, capability poverty, and poverty traps as theoretical frameworks.

The main findings of the research include the struggles of the poor in meeting their daily needs, the heavy social damages and crises in the lives of the poor, the legal ignorance of the poor, the limited reach of services provided to the poor, the mismatch between the programs and services offered by NGOs and the crucial realities of the lives of the poor, and the difficulties faced by NGOs in addressing the daily challenges of the poor.

The results indicate that the realities of the lives of the impoverished are complex and diverse, and that the programs and services provided by NGOs are frequently misaligned with these realities for a variety of reasons. Volunteers and the poor assert that these organizations are only concerned with alleviating the symptoms of poverty, providing irregular and insignificant assistance for subsistence, and ignoring absolute poverty and the need for comprehensive assistance. This has made it difficult for the impoverished to gain access to housing, resolve social issues, and improve their cognitive abilities. These organizations have only scratched the surface of poverty and have been unable to address major issues such as housing, addiction problems, legal challenges faced by women and orphaned and neglected children, physical and mental illnesses, school fees, etc., which are the most significant obstacles faced by the poor.

Cite this article: Salehpour, N., & Piri, S. (2023). Anti-poverty efforts of Non-Governmental organizations and the poor.

Community Development (Rural and Urban), 15 (1): 135-152. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806>

اقدامات فقرزدایانه سازمان‌های مردم‌نهاد و واقعیت زندگی فقرا

صدیقه پیری^۱ | نیوشا صالح‌پور^۲

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران. رایانامه: sedighe.piri@atu.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: nioushasalehpour1@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۴/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۲۹</p> <p>واژه‌های کلیدی: تهران، سازمان‌های مردم‌نهاد، فقر، واقعیت‌های زندگی فقرا.</p>	<p>نظر به اهمیت یافتن نقش سازمان‌ها و به‌ویژه مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های فقرزدایانه و همچنین افزایش نرخ فقر در سال‌های اخیر، هدف مقاله حاضر، مطالعه اقدامات انجام‌شده با هدف کاهش فقر در میان تعدادی از سازمان‌های غیردولتی در شهر تهران است. از طرفی دیگر به این پرسش کلیدی پاسخ می‌دهیم که آیا اقدامات مزبور با واقعیات زندگی فقرا همسو هستند یا خیر.</p> <p>روش تحقیق، کیفی از نوع تحلیل مضمون است. نمونه‌گیری تحقیق هدفمند است و مشارکت‌کنندگان در تحقیق در مجموع ۲۹ نفر هستند (در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد، مطالعاتی که از نزدیک با فقرا در ارتباط بودند و خود فقرا). مبنای نظری پژوهش، عبارت است از: نظریه بوم‌شناسی سازمانی، نظریه نهادی فقر، رویکرد فضایی فقر، طرد اجتماعی، پیوندهای ضعیف، فقر قابلیت و تله محرومیت فقرا.</p> <p>مهم‌ترین مضامین به‌دست‌آمده شامل گرفتاری فقرا در آژیر نیازهای روزمره، آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی سنگین در زندگی فقرا، ناآگاهی حقوقی فقرا، شعاع محدود خدمات‌رسانی به فقرا، قلاب کج ماهیگیری و درماندگی از آموزش آن، چالش بیل و خاور: عقب‌افتادگی سازمان از چالش‌های روزمره فقرا است.</p> <p>نتایج نشان می‌دهد واقعیت زندگی فقرا بسیار پیچیده و چالش‌های زندگی فقرا گوناگون است؛ چالش‌هایی که عموماً برنامه‌ها و خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد، علی‌رغم تلاش‌های زیاد، با آن‌ها همسو نیستند و از مواجهه با واقعیت‌های مهم زندگی فقرا ناتوان‌اند یا به دلایل مختلف از اقدامات مؤثر امتناع می‌ورزند.</p>

استناد: پیری، صدیقه و صالح‌پور، نیوشا (۱۴۰۲). اقدامات فقرزدایانه سازمان‌های مردم‌نهاد و واقعیت زندگی فقرا. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۵(۱): ۱۳۵-۱۵۲.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363202.668806>

۱. مقدمه

از اوایل دهه هشتاد در ایران، با مدنظر قراردادن محدودیت‌های موجود، در عرصه سیاست‌گذاری‌ها و گفتمان‌های دولتی بر ضرورت وجود و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد با ویژگی‌هایی نظیر به‌کارگیری رویه‌های مشارکتی، برخورداری از پایگاه مردمی در ارائه خدمات رفاهی و اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه بیش‌ازپیش تأکید شده است؛ برای مثال در فصل ۸ برنامه ۴ توسعه (ماده ۹۵) به‌طور خاص بر مسئله کاهش فقر تأکید شده و آمده است: «دولت مکلف است به‌منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد.» یکی از این محورها، بند «ه» این فصل است که در آن بر «ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیرخط فقر، در کلیه مناطق کشور» تأکید شده است. همچنین در بخش ۱۵ برنامه ششم توسعه با عنوان «بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی»، در بند ب ماده ۸۰ از لزوم خدمات‌رسانی و بازتوانی گفته شده و بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشبرد اهداف مزبور تأکید شده است. در بند دوم و پنزدهم متن پیش‌نویس سیاست‌های کلی برنامه هفتم نیز بر بسیج ظرفیت‌های دستگاه‌های مردمی و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم در کنار نهادهای دولتی، برای پیشبرد اهداف آن از جمله ارتقای سلامت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی پافشاری شده است.

از طرف دیگر، در دو دهه اخیر کلیدواژه «مردمی‌کردن فقرزدایی» که بر وجوب گسترش مشارکت‌های مردمی و تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابه حلقه اتصال دولت و فقرا در کاهش فقر اشاره دارد، به‌وفور در سخنان مقامات کشوری مانند رهبر انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور دولت سیزدهم، رئیس مجلس شورای اسلامی دولت سیزدهم، نمایندگان مجلس، فرمانداران، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و... به چشم می‌خورد.

از این زمان به بعد نیز سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختار سازمانی متفاوت‌تر نسبت به سازمان‌های فوق (سعیدی، ۱۳۹۱) درگیر مسئله فقر و فقرزدایی شدند و به طراحی برنامه‌ها و جذب منابع مادی و غیرمادی برای اجرای آن‌ها پرداختند. براساس دسته‌بندی سمن‌ها در سایت وزارت کشور، این سازمان‌ها در ۲۵ حوزه گوناگون از جمله محیط‌زیست، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، رفاه اجتماعی، امور کودکان، امور زنان و... فعالیت می‌کنند. در تهران نیز با توجه به رشد فزاینده فقر و حاشیه‌نشینی و مشکلات ناشی از آن، تعدادی از نهادهای غیردولتی با هدف کاهش فقر ایجاد و برنامه‌هایی را با این مقصود طراحی و اجرا می‌کنند.

به‌رغم افزایش تأکیدات بر فقرزدایی، آمارها همچنان از افزایش فقر در جامعه در سال‌های اخیر حکایت دارد. گفته شده در ایران جمعیت زیرخط فقر مطلق که در سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به ۱۵ درصد رسیده بود، از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۳۹۸ به ۳۰ درصد افزایش یافته است (مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۴۰۰). طبق گزارش مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران (۱۳۹۷)، شماره (۳۷) با عنوان «پایش فقر در سال ۱۴۰۰» ۳۰ درصد از جمعیت کشور، معادل ۲۵ میلیون نفر و ۵۶۰ هزار شهروند ایرانی زیر خط فقرند (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، ۱۴۰۱).

مقاله حاضر با توجه به افزایش یافتن اهمیت و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه فقرزدایی و از طرفی گسترش فقر در سال‌های اخیر، به این امر می‌پردازد که سازمان‌های مزبور در زمینه فقرزدایی به چه اقداماتی دست زده‌اند و بنا بر نظر فقرا یا مطلعانی که ارتباط تنگاتنگی با فقرا دارند، این اقدامات تا چه حد به واقعیت‌های زندگی گروه‌های فقیر معطوف بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

حمایت‌خواه و رضانی (۱۴۰۲) به شناسایی ابعاد فرایند توانمندسازی و پیامدهای به‌کارگیری این رویکرد برای سازمان‌های حمایتی و خیریه‌ای در مشهد پرداختند. یافته‌ها نشان داد نهادهای حمایتی و خیریه‌ای از طریق راه‌اندازی کارگاه، فعال‌سازی منابع اجتماعی، توجه به ارزش‌های اجتماعی مردم، شناسایی توانمندی‌های خانوادگی و گروهی، اعتمادکردن و فرصت‌دادن، هویت‌بخشی، نشان‌دادن الگوهای موفق، به‌کارگیری تعاریف و نمادهای مناسب، تعیین هدف‌های قابل‌دسترسی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن، کمک به فرایند درمان، ارتقای عزت‌نفس و تشویق مددجویان به افزایش مشارکت اجتماعی موجب ایجاد قابلیت‌های جدید در جامعه هدف شده است.

لطفی‌خاچی و ایمانی‌جگرمی (۱۳۹۸) معضلات سازمان‌های مردم‌نهاد استان تهران را در حوزه توانمندسازی مددجویان بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که ضعف قوانین تأسیس سمن، وابستگی قوانین به رویکرد دولت‌ها، موزای کاری، بوروکراسی پیچیده در کنار ابهام در تعریف اهداف، واردنشدن به مسائل مهم، غلبه نگاه فردی بر نگاه جمعی، نداشتن برنامه مدون بلندمدت و فقدان راهبرد عملیاتی، به ناکامی سمن‌ها از توانمندسازی جامعه هدف منتهی می‌شود.

ابوالفضلیان (۱۳۹۶) در پژوهش خود دریافت سازمان‌های مردمی با توجه به حجم کوچک و بودجه محدودشان نقش مؤثری در کاهش فقر و ایجاد اشتغال داشته‌اند، به میزان زیادی آموزش‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی ارائه کرده‌اند و دارای تأثیر حائز اهمیت در مورد ترک اعتیاد، سازمان‌دهی بیماران نیازمند و روند درمانی مورد نیاز آن بوده‌اند. بیشتر مددجویان این سازمان‌ها دارای ویژگی‌های فرهنگ فقر هستند، اما عملکرد این سازمان‌ها موجب مبدل‌شدن این افراد به عناصر فعال اقتصادی و اجتماعی شده است.

از نتایج پژوهش طوسی (۱۳۸۹) این است که مهم‌ترین حمایت‌های سازمان‌های غیردولتی شهر تهران، خدمات و مساعدت‌های مالی، مشاوره‌ای، آموزشی و بهداشتی-درمانی بوده، ولی به دلیل مقطعی و سطحی‌بودن و مشارکت‌ندادن فقرا در برنامه‌ها به توانمندسازی آنان منجر نشده است.

سیف‌الدین (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «درک سازمان‌های مردم‌نهاد از فقر در بنگلادش» به این نتیجه رسید که اعطای وام، برنامه‌های حقوق بشری، تأمین آب سالم و دستشویی، آموزش به کودکان، خدمات بهداشتی-درمانی، آگاهی‌بخشی در خصوص آج‌آوی، برنامه‌های حمایت از زنان و کودکان علیه خشونت و قاچاق و ایجاد آمادگی برای مقابله با مخاطرات طبیعی اساسی‌ترین فعالیت‌های این سازمان‌ها در جهت تعدیل فقر در بنگلادش است، ولی مسائل روزمره زندگی فقرا مانند اشتغال، مصائب و بحران‌های اجتماعی آنان، مسائل جمعیتی، کم‌سواد یا بی‌سواد، بیماری‌ها، کمبود مهارت‌ها، نبود سرمایه، نگرش به کار، تبعیض در محیط کار، مسئله شرایط دشوار دریافت تسهیلات، سوءتغذیه و مسائل بهداشتی-درمانی، نابرابری جنسیتی و... هماهنگ نیست و کمکی به کاهش علل فقر آنان نکرده است.

مرور تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی به انجام نرسیده است که با چشم‌انداز جامعه‌شناسانه هم برنامه‌های فقرزدایانه سازمان‌های مردم‌نهاد را مطالعه کند و هم به خواسته‌ها و نیازها و به عبارتی واقعیت‌های زندگی فقرا توجه نشان دهد. انجام این پژوهش می‌تواند گامی کوچک در جهت توجه به این حوزه باشد.

۳. پیشینه نظری

سازه نظری اصلی که راهنمای پژوهش حاضر بوده است، رویکرد بوم‌شناسی سازمانی است که در جامعه‌شناسی سازمان‌ها مطرح است. هدف اصلی، توضیح فرایند و چگونگی تغییر و تحولات در سازمان‌ها نسبت به اقتضای شرایط محیطی است؛ بنابراین ابتدا به بیان ایده‌های این رویکرد می‌پردازیم، در ادامه سازه‌های نظری دیگری مطرح می‌شوند که از جهات بسیاری هم به بوم‌شناسی سازمانی و

هم به تحلیل موضوعات مرتبط با فقر مرتبط می‌شوند؛ برای مثال نظریه فضایی فقر، نهادگرایی و فقر، پیوندهای ضعیف و فقر قابلیت‌ی. بینش ساختاری و شبکه‌ای به موضوع فقر و درک اهمیت تغییر و تحولات سازمانی به‌مثابه کنش منطقی به نیازمندی‌های جدید، نقاط اتصالی هستند که در ترکیب با رهیافت بوم‌شناسی سازمانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا با شناخت موضوع فقرزدایی به درک کلی اقدامات انجام‌شده سازمانی و واقعیت‌های زندگی فقرا کمک کنند.

۱. بوم‌شناسی سازمانی^۱: هوارد آلریچ^۲ این نظریه را در سال ۲۰۰۴ مطرح و برجسته ساخته است. هدف نشان‌دادن چگونگی ایجاد، رشد و پیشرفت سازمان‌ها و روابطی است که در محیط سازمانی برقرار می‌شود؛ برای مثال سازمان‌ها چه تاکتیک‌هایی را برای بقا برمی‌گزینند و چرا شکست می‌خورند. از نظر آلریچ، سازمان‌ها اهداف عملی دارند که به رفتار اعضا شکل می‌دهد. اهداف سازمانی، مرزهایی برای ایجاد تمایز بین خودی و غیرخودی نیز ایجاد می‌کنند؛ بنابراین درک فرایند تغییر در سازمان‌ها در گرو واکاوی ماهیت و توزیع اهداف و منابع در محیط‌های سازمانی است. به این صورت که فشار محیطی موجب رقابت سازمان‌ها می‌شود و مسئولان می‌کوشند با به‌کارگیری تاکتیک‌ها و استراتژی‌هایی، محیط خود را مانند سازمان‌هایشان مدیریت کنند. این نظریه با ارائه مدلی شامل مراحل تنوع، انتخاب و بقای چگونگی خلق اشکال سازمانی، و بقا یا شکست آنان در سراسر یک جمعیت سازمانی مطرح می‌شود. تنوع، اولین مرحله تغییر سازمانی است که به شکل برنامه‌ریزی شده برای ایجاد جایگزین‌ها و یافتن راه‌حل مشکلات یا به‌صورت غیربرنامه‌ریزی شده براساس فشارهای محیطی در قالب دگرگونی درون‌سازمانی و بین‌سازمانی رخ می‌دهد. سازمان‌هایی که با شاخص‌های محیطی انطباق یابند، انتخاب می‌شوند و باقی می‌مانند؛ درحالی‌که دیگران شکست می‌خورند یا برای هماهنگی با الزامات محیطی تغییر می‌کنند. انتخاب اشکال سازمانی جدید یا شکل اصلاح‌شده آن، پیامد محدودیت‌های محیطی است. بقای اشکال سازمانی یا ساختارها و فعالیت‌های درون یک سازمان نیز تحت تأثیر ثبات اجتماعی و سیاسی، مشروعیت ایدئولوژیکی دولت، سیستم‌های آموزشی، برخورداری از شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل پیشرفته و برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق در سطح ملی قرار می‌گیرد (آلریچ، ۱۹۷۹).

۲. نظریه فضایی فقر: این نظریه بر نقش فضای جغرافیایی (شمال-جنوب یا شهری-روستایی) و فضای اجتماعی (روابط و شبکه‌های اجتماعی) در پیدایش و تداوم فقر تأکید می‌ورزد. در این بینش، سه شاخص زیرساختار، تحرک جمعیتی و فرهنگ مؤلفه‌های تأثیرگذار در تبیین فقر هستند (حمیدیان، ۱۳۹۶).

۳. نظریه نهادی فقر: در این نظریه علت فقر، نوع نهادهای اقتصادی و سیاسی موجود در یک جامعه است؛ به این صورت که اگر از نوع فراگیر باشند، کاهش فقر و رفاه اجتماعی برای شهروندان به دنبال خواهند داشت، اما اگر از نوع استثماری باشند، پیامدی جز افزایش فقر و محرومیت ندارند. منظور از نهادهای اقتصادی فراگیر، نهادهایی هستند که به گروه بزرگی از مردم اجازه می‌دهند تا در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند و آن‌ها را تشویق می‌کنند تا از توانایی‌ها و مهارت‌هایشان به بهترین شکل ممکن استفاده کنند و قدرت انتخاب داشته باشند. در مقابل، نهادهای اقتصادی استثماری برای بهره‌مندی گروهی کوچک، منابع اکثریت را تصرف می‌کنند، برای ورود به بازار موانعی ایجاد می‌کنند و کارکرد بازار را مختل می‌سازند. در کنار آن، نهادهای سیاسی استثماری قدرت را در اختیار گروه اندکی از فرادستان قرار می‌دهند و موانع کمی برای اعمال قدرت آن‌ها در نظر می‌گیرند (عجم اوغلو^۳ و رابینسون^۴، ۱۳۹۸).

1. The Organizational Ecology Theory
2. Howard E. Aldrich
3. Daron Acemoglu
4. James A. Robinson

۴. پیوندهای ضعیف: گرانوتر روابط اجتماعی را به دو دسته پیوندهای نیرومند که میان افرادی که با یکدیگر روابط نزدیک و دائمی دارند و پیوندهای سست بین افرادی که دارای روابط دور و موقتی با هم هستند، تقسیم می‌کند. براساس این انگاره، علت فقر افراد کم‌برخوردار، جدایی‌گزینی و ناتوانی آن‌ها از برقراری پیوندهای سست با افرادی از طبقات متوسط و بالا است که موجب منزوی شدن فقرا در یک گروه سخت درهم‌بافته، بی‌اطلاعی آنان از وقایع رخ داده در گروه‌های دیگر و ادغام‌نشده‌شان در جامعه گسترده‌تر می‌شود و امکان هرگونه تحرک و اکتساب دانش نوین در خصوص موضوعات مختلف را که به بهبود وضعیت زندگی آنان منجر شود، از ایشان سلب کرده است (گرانوتر، ۱۹۷۳).

۵. فقر قابلیت: به باور سن، فقر کمبود درآمد نیست، بلکه بی‌بهرگی از قابلیت‌های فردی و اجتماعی است که شخص برای هدایت زندگی مورد نظر خود نیاز دارد و فقیر کسی است که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه از وی سلب شده است. همچنین از دید او، انسان‌ها برای دستیابی به عملکردهای گوناگونی که قادرند در زندگی داشته باشند، از سطوح بدوی بقا مثل تغذیه کافی و پیشگیری از ابتلا به بیماری و مرگ زود هنگام تا سطوح پیچیده‌تر نظیر عزت نفس و مشارکت در زندگی اجتماعی باید دارای قابلیت باشند. منظور او از قابلیت، فرصت‌گزینش اندیشیده‌ای است که به‌واسطه اعطای حق آزادی و فرصت‌های بیشتر برای احراز اهداف صورت می‌گیرد (سن، ۱۳۸۱؛ کامرومن، ۱۳۹۸).

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کیفی از نوع تحلیل مضمون انجام شده است. میدان پژوهش از داوطلبان فعال در سازمان‌های مردم‌نهاد فقرزدای واقع در استان تهران و جامعه هدف از خانواده‌های فقیر یعنی کودکان، زنان و مردان فقیر به‌علاوه فقرا و مطلعان ساکن در مناطق شهری استان تهران تشکیل می‌شود. برای شناسایی و دسترسی به نمونه‌های پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی استفاده شده است. پژوهشگر از طریق شبکه‌های اجتماعی با افراد آگاه به سازمان‌های مردم‌نهاد فقرزدای موجود در استان تهران ارتباط برقرار کرد و به میانجی آن‌ها با این سازمان‌ها و داوطلبان‌شان آشنا شد. با در نظر گرفتن ملاک‌هایی مانند فعالیت در حوزه معیشتی، گستردگی شمول خدمات، سابقه فعالیت، رضایت و آمادگی داوطلبان برای مصاحبه و حضور در استان تهران، چهار سازمان مردم‌نهاد زنجیره عشق و امید، جمعیت همیاران استان تهران، مؤسسه راز رویش زندگی و انجمن کودک پویا به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در مجموع، در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد با ۱۹ داوطلب در چهار سمن، مصاحبه‌هایی به‌صورت حضوری یا مجازی در منزل، محل کار و مکان سازمان مردم‌نهاد با بازه زمانی ۴۰ دقیقه تا ۲ ساعت صورت گرفت که مشخصات آن‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است. پژوهش در بازه زمانی تابستان ۱۴۰۱ تا اوایل بهار ۱۴۰۲ انجام شده است.

جدول ۱. مشخصات داوطلبان مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	سابقه کار داوطلبانه	شغل	نام سمن
۱	خانم	۴۸	کارشناسی حقوق و مترجمی زبان انگلیسی	۷	خانه‌دار	زنجیره عشق و امید
۲	آقا	۳۶	کارشناسی برق	۷	مدیر فروش	
۳	خانم	۳۱	کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری	۶	کارمند	
۴	خانم	۲۹	کارشناسی زبان و ادبیات فارسی	۴	معلم	
۵	خانم	۳۰	کارشناسی ارشد معماری	۵	کار آزاد	
۶	خانم	۳۸	دیپلم	۷	خانه‌دار	جمعیت همیاران استان
۷	خانم	۵۰	کارشناسی مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی	۱۶	خانه‌دار	

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	سابقه کار داوطلبانه	شغل	نام سمن
۸	خانم	۴۶	دیپلم	۴	خانه‌دار	تهران
۹	خانم	۵۹	کارشناسی ارشد روان‌شناسی	۳۳	معلم بازنشسته	
۱۰	خانم	۴۲	کارشناسی ارشد روان‌شناسی	۳۷	معلم	
۱۱	خانم	۴۳	کارشناسی روان‌شناسی و مدیریت	۴	مریبه مهدکودک	مؤسسه راز رویش زندگی
۱۲	خانم	۴۳	دیپلم	۲	خانه‌دار	
۱۳	خانم	۴۳	دیپلم	۲	خانه‌دار	
۱۴	خانم	۴۱	دیپلم	۲	کمک‌مریبه مهدکودک	
۱۵	خانم	۴۸	کارشناسی روان‌شناسی	۴	مریبه مهدکودک	
۱۶	خانم	۲۴	کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	۵	معلم	انجمن کودک پویش
۱۷	خانم	۲۹	کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی	۵	کارمند	
۱۸	خانم	۲۸	کارشناسی ارشد توسعه روستایی	۸	پژوهشگر اجتماعی	
۱۹	آقا	۲۶	کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی	۵	وکیل دادگستری	

پژوهشگر با پنج نفر از کسانی که از نزدیک با فقرا در ارتباط بودند، از مشکلات آن‌ها آگاهی داشتند و در استان تهران زندگی و فعالیت می‌کردند که در این پژوهش، از آن‌ها به‌عنوان مطلعان یاد می‌شود، به‌صورت مجازی و حضوری مصاحبه شد. مصاحبه در بازه زمانی ۳۰ دقیقه تا دو ساعت در منزل و محل کارشان انجام گرفت. ویژگی‌های این مشارکت‌کنندگان در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. مشخصات مطلعان مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل
۱	خانم	۳۷	کارشناسی ارشد توسعه روستایی	پژوهشگر اجتماعی
۲	خانم	۲۴	کارشناسی مددکاری اجتماعی	مددکار اجتماعی
۳	آقا	۲۸	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	معلم
۴	خانم	۳۲	کارشناسی مدیریت	مدیر سرای محله خاوران
۵	خانم	۳۵	کارشناسی روان‌شناسی	مدیر یک خیریه محلی در خاوران

افزون بر این، پنج مصاحبه با فقرای ساکن در مناطق شهری استان تهران به شکل حضوری در منزل و محل کار و به شکل مجازی از طریق تلفن نیز انجام گرفت که این مصاحبه‌ها بین ۵۰ دقیقه تا دو ساعت به طول انجامید. مشخصات این افراد در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. مشخصات گروه هدف فقرای مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	تحصیلات	تعداد فرزند
۱	خانم	۶۸	دوم دبستان	خانه‌دار	۴
۲	خانم	۵۶	دوم راهنمایی	خانه‌دار	۳
۳	خانم	۴۰	دیپلم نقاشی	خانه‌دار	۲
۴	خانم	۴۵	بی‌سواد	خانه‌دار	۵
۵	آقا	۱۳	متوسطه دوره اول	دانش‌آموز	۰

۵. یافته‌های پژوهش

در آغاز بخش یافته‌ها، نوع خدماتی که سازمان‌های مردم‌نهاد مورد مطالعه برای افراد فقیر ارائه داده‌اند، مرور می‌شود. با توجه به هدف تحقیق که تطابق‌پذیری با واقعیت‌های زندگی فقرا است، در ادامه به نظرات فقرا نیز می‌پردازیم. بعد از این مضمون به ارزیابی انتقادی‌تر موضوع خواهیم پرداخت که در قالب مضامینی دیگر تشریح می‌شوند.

۵-۱. شعاع محدود خدمات‌رسانی به فقرا

سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار ایده‌ها و اقداماتی که با هدف اشتغال‌زایی برای مددجویان داشته‌اند، بسته‌های غذایی را با توجه به سطح نیازمندی گروه‌های فقیر توزیع کرده‌اند. گاهی به مددجویان کمک‌هزینه رهن و اجاره منزل و وام اعطا می‌کنند، کیف، مانتو مدرسه، لوازم‌التحریر و تلفن همراه برای شرکت در آموزش مجازی دوران کرونا تهیه و کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت می‌کنند. همچنین برای معاینات پزشکی و روان‌پزشکی، آن‌ها را به پزشکان خیر ارجاع می‌دهند، لوازم پزشکی (ویلچر و تشک طبی) و دارو برای بیماران فقیر خریداری می‌کنند، کمک‌هزینه‌هایی برای جراحی و بستری آنان در بیمارستان در نظر می‌گیرند، در تأمین کفش، کیف، لباس و جهیزیه به آنان یاری می‌رسانند و جشن‌هایی برایشان برگزار می‌کنند. عموماً این کمک‌ها همیشگی نیست. به قول داوطلب کد ۲ «زمانی که وضع سازمان خوب است» و در زمان مناسبت‌ها و اعیاد، این‌گونه خدمات بیشتر ارائه می‌شود.

از دیگر اقدامات، ارائه خدمات آموزشی است. سه نوع خدمات در قالب سه نوع کلاس به مددجویان ارائه شده است. اول، کلاس‌هایی آموزشی با محوریت مسائل پزشکی مانند کنترل فشارخون و مراقبت‌های دوران بارداری و روان‌شناختی نظیر مهارت زندگی، آموزش‌های پیش از ازدواج، پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی، حل مشکلات زناشویی و اختلافات خانوادگی؛ دوم، کلاس‌هایی مانند سفالگری، نقاشی، کامپیوتر، آموزش زبان انگلیسی و طب سنتی؛ سوم، به‌منظور آماده‌کردن کودکان برای ورود به فضاهای دانشگاهی و توانمندسازی خانواده‌های آنان در کلاس‌های سوادآموزی به کودکان و خانواده‌هایشان سواد پایه را آموزش می‌دهند و طرح‌های حمایت تحصیلی را با هدف جلوگیری از ترک تحصیل کودکان از طریق برگزاری کلاس‌های تقویتی و نظارت بر فرایند تحصیلی آنان به انجام می‌رسانند.

از دید داوطلبان، برنامه‌های کاهش فقر موجب افزایش عزت‌نفس و آینده‌نگری مددجویان یا به تعبیری توانمندسازی روانی آن‌ها شده است. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که حضور و خدمات‌رسانی سمن برای مددجویان دلگرمی و امید به‌وجود آورده است؛ زیرا این باور را در مددجویانش ایجاد کرده که سازمان و انسان‌هایی وجود دارند که به فکر آنان هستند و می‌توانند در هنگام مشکلات به آن‌ها مراجعه و از آن‌ها درخواست کمک کنند.

در روی دیگر سکه و برخلاف داوطلبان، از دیدگاه فقرا و مطلعانی که با فقرا درگیرند، این خدمات توانسته فقط تا حدی نیازهای غذایی و پوشاک فقرا را برطرف سازد. به‌نظر می‌رسد موقتی‌بودن خدمات، تعداد زیاد نیازمندان، عدم برخورداری از بودجه کافی و زمان‌بر بودن فرایند توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر سبب شده خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد نتواند مسائل و مشکلات اصلی فقرا را در زمینه تحصیل، مسکن، بهداشت و درمان حل کند. گروه‌های فقیر مشارکت‌کننده در تحقیق از سازمان‌های مردم‌نهاد توقع نداشتند که مصائب آنان را حل کنند. آن‌ها از دولت که قدرت و بودجه بیشتری دارد، انتظار بیشتری دارند. فقیر کد ۱ می‌گوید: «وقتی به این سازمان‌ها می‌گم این مشکلاتمو، می‌گن ما پولی نداریم و بدبخت بیچاره‌تر از شما خیلی زیاده. البته تقصیر این بنده خداها نیست؛ چون انتقدر گرونیبه که همین سبد کالا رو چه‌جوری بخره برای همه آدم‌هایی مثل من؟ و مگه تا چقدر نیاز منو این سبد غذایی حل می‌کنه؟»

تازه سه چهار ماه به بارم هست. از طرفی این کمک‌ها مشکل اساسی منو که خونه‌ست، دندون و سمکمه و هزینه تحصیل نوام که حل نمی‌کنه.»

جدول ۴. خرده‌مقولات مقوله شعاع محدود خدمات‌رسانی به فقرا

مقوله اصلی	خرده‌مقولات
شعاع محدود خدمات‌رسانی به فقرا	کمک‌رسانی بی‌ثبات و موقتی
	صرفاً کمک‌رسانی برای تهیه اوراق و پوشاک
	جمعیت زیاد فقرا
	ناتوانی در حل مسائل اساسی فقرا
	زمان نبودن فرایند توانمندسازی
	چشم‌دوخته به دولت و نه سازمان‌های مردم‌نهاد

۲-۵. گرفتاری فقرا در آژیر نیازهای روزمره

در زندگی فقرا گویا آژیر نیازهای روزمره همیشه در حال هشدار است. از دیدگاه داوطلبان، فقرا از آن جهت که در خانواده‌ای متولد می‌شوند که به‌صورت مداوم دنبال خاموش کردن این آژیر هستند، حرکت رو به عقب دارند و نمی‌توانند موقعیتی مناسب در جامعه کسب کنند. داوطلب کد ۲ این گرفتاری را این‌گونه بیان می‌کند: «قشر مددجو به کار به‌عنوان بهترین وسیله برای بقا فکر نمی‌کنه و به این فکر می‌کنه همین الان یخچالم جور بشه، همین الان به میوه‌ای من بخورم... ولی حق هم دارن ها. انقدر به خطر افتاده این بقا. فکر کن به آژیوری تو زندگیت داره به صدا درمی‌آد. فقط می‌خواهی حل کنی بره. زندگی مددجوهای ما اینه. ولی کلاً به فکر رفع اصولی مشکلات نیستن؛ چون تو زندگی شون امید و انگیزه و هدفی نیست، پس اقدامی هم نیست.»

به‌هشدار درآمدن همیشگی آژیر نیازهای فقرا، محصول مواجهه انسان‌های فقیر با مشکلات معیشتی مستمر و همیشگی در زندگی است. تورم روزافزون و اشتغال فقرا در مشاغل سطح پایین و کم‌درآمد سبب شده تا درآمد و یارانه‌ای که فقرا دریافت می‌کنند، کفاف هزینه‌های زندگی آنان را ندهد و آنان در تأمین نیازهای اولیه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند. از سوی دیگر، مزیقه خورد و خوراک در زندگی طبقه پایین، اجبار به تحمل گرسنگی، تقلیل وعده‌های غذایی و استفاده از خوراک ارزان و بی‌خاصیت و... تشدیدکننده صدای این آژیر در گوش فقراست. مطلع کد ۳ می‌گوید: «تو مدرسه هم اینا اصلاً ناهار درست و حسابی مثل پلو و خورشت با خودشون نمی‌آوردن. نهایتاً به لقمه نون و پنیر می‌خورن. تو زنگ‌های تفریح ندیدم که اینا میوه بخورن. فقط هله‌هوله‌هایی مثل لواشک و آلوچه و این چیزها می‌خورن.»

این کوچک و بی‌خاصیت‌شدگی در گرفتار فقیر کد ۲ این‌گونه نمایان می‌شود: «در یخچال منو باز کنی یخچالم لخته. فقط شیشه آب توشه و نمی‌تونیم چیزی بخریم. مگر خیرین به سبد غذا بیارن بتونیم به غذایی بخوریم.»

یکی از بارزترین ابعاد این آژیر در زندگی قشر ضعیف جامعه، ناتوانی آن‌ها از تأمین مسکن به‌دلیل افزایش سالیانه قیمت اجاره و رهن منزل است که سبب می‌شود به‌ناچار برای سکونت به حاشیه شهرها مهاجرت کنند و در سکونتگاه‌های غیررسمی و خانه‌هایی قدیمی، فرسوده و غیراستاندارد که سیستم لوله‌کشی و تهویه مناسبی ندارد، زندگی کنند.

مطلع کد ۲ وضعیت نامطلوب منازل فقرا را این‌گونه توضیح می‌دهد: «منزلی که اینا توش سکونت می‌کنن تو پایین شهر یا با استاندارد ساخته نشده. یا خونه‌های قدیمی‌ان که بازسازی نشده و لوله‌کشی مناسبی ندارن و سرویس بهداشتیه که لوله‌ش ترکیده و

تعمیر نشده. آلودگی تو همه جای خونه پخش می‌شه. از طرفی تعداد زیاد تو به مکان کوچیک زندگی می‌کنن و یکی که مریض می‌شه بقیه هم مریض می‌شن. خونه‌های این‌ها چون پنجره‌های استاندارد نداره، هوا تو خونه جریان نداره و نور کافی نداره.»

همچنین بی‌بهرگی فقرا از دریافت وام بانکی به‌خاطر نداشتن حقوق ثابت، درآمد پایین و عدم مالکیت بر ملک یا زمین، نرخ بالای بهره بانکی و عدم توانایی در بازپرداخت وام به‌علاوه ناتوانی اقشار فرودست از تهیه لوازم خانگی مانند وسایل سرمایشی و گرمایشی، بر شدت هشدار این آژیر می‌افزاید.

جدول ۵. خرده‌مقولات مقوله گرفتاری فقرا در آژیر نیازهای روزمره

مقوله اصلی	خرده‌مقولات
گرفتاری فقرا در آژیر نیازهای روزمره	مضیقه‌های مالی
	کوچک و بی‌خاصیت‌شدگی غذایی
	محنت مسکن
	عدم دسترسی به تسهیلات بانکی
	چالش کار و شغل
	ناتوانی از تأمین وسایل منزل

۳-۵. چالش بیل و خاور: عقب‌افتادگی سازمان از چالش‌های روزمره فقرا

داوطلبان عنوان می‌کنند که به مرور زمان سازمان‌های مردم‌نهاد از حل مشکلات فقرا عاجز شده‌اند. درست در زمانی که شرایط نامطلوب اقتصادی کشور تعداد فقرا و مسائل آن‌ها را افزایش داده، توانایی‌های سمن برای مبارزه با این مشکلات گسترده بسیار محدود شده است. یکی از داوطلبان، نسبت مشکلات موجود در زندگی فقرا و توانایی سمن برای حل آن‌ها را به خاور و بیل تشبیه می‌کند؛ به این صورت که گویی نظام اجتماعی مشکلات و مسائل را با وسیله نقلیه خاور به جامعه وارد می‌کنند و سمن‌ها تلاش می‌کنند تا آن‌ها را با بیل جمع‌آوری کنند. این عقب‌ماندگی در گفتار داوطلب کد ۱۶ این‌گونه نمایان می‌شود: «بعد ما به چالش جدی‌ای که داریم اینه که انگار داریم با بیل به معضلی رو جمع می‌کنیم و از اون ور دارن با خاور دارن معضل جدید وارد می‌کنن.»

یا داوطلب کد ۱۰ در این باره اظهار می‌دارد: «می‌دونین؟ من می‌گم الان هر چی ما می‌دویم، مسائل و مشکلات جلوتر از ما می‌دوئن. جوری شده تو سه چهار سال اخیر دایره مشکلات فقرا خیلی وسیع شده و ما نمی‌رسیم که اون‌ها رو حل کنیم. اینکه اینقدر شرایط سخت شده، اقتصاد بهش اضافه شده و مسائل و بیماری‌ها، انگاری که ما خیلی موفق نیستیم. قبلاً مثلاً ۱۵ سال پیش خیلی موفق‌تر بودیم؛ چون اینقدر مسائل زیاده و بی‌اهمیتی به آدم‌ها تو جامعه ما شکل گرفته، اینقدر حق و حقوق آدم‌ها سر جاش نیست و به‌موقع پرداخت نمی‌شه که تعداد زیادی درگیرن.»

۴-۵. قلاب کج ماهیگیری و درماندگی از آموزش آن

سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فقرستیزانه خویش، خود را ملزم به پیروی از استعاره ماهیگیری می‌دانند. به این معنا که آن‌ها تلاش می‌کنند با آموزش ماهیگیری و اشتغال‌زایی برای مددجویان، به‌جای تحویل ماهی، تغییرات مثبت و خوشبختی و به عبارتی ماهیگیری را برای مددجویان به ارمغان آورند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در بسیاری اوقات سازمان‌های مزبور، ماهی‌دادن به فقرا را به یاد دادن آن ترجیح می‌دهند؛ زیرا خود بر این باورند که فقرا مایل‌اند تا صرفاً کمک‌هایی را دریافت کنند

و علاقه‌ای به کارکردن و آموزش ندارند. خانواده‌های فقیر کودکانی دارند که نیازمند کمک‌های مستقیم و فوری هستند؛ بنابراین باید با دادن ماهی آن‌ها را زنده نگه داشت تا در قدم بعدی بتوانند ماهیگیری را یاد بگیرند؛ و حفظ ارتباط با مددجویان و تشویق آن‌ها به یادگیری در گرو اعطای کمک‌های مالی مستقیم به آن‌ها است. راحتی ماهی‌دادن به فقرا، آینده‌نگر نبودن سازمان‌های مردم‌نهاد و عدم امکان تحقق آن، فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و تمایل این سازمان‌ها به ایجاد آرامش موقت در زندگی فقرا نیز موجب این شرایط شده است. اهداف سازمان‌های مردم‌نهاد با مفهوم «توانمندسازی» هماهنگی دارد که براساس آن، فقر در اثر کمبود قابلیت‌های فردی که آزادی شخص را محدود می‌کند، به‌وجود می‌آید و بهترین روش فقرزدایی، اتخاذ برنامه‌ای بلندمدت است که به موجب آن، قابلیت‌های فیزیکی و مالی (مالکیت زمین)، قابلیت‌های انسانی (آموزش)، قابلیت‌های سیاسی (مشارکت در حیات سیاسی) انسان فقیر را افزایش می‌دهد و زمینه مناسبی به‌منظور گسترش مشارکت، چانه‌زنی و مذاکره، تأثیرگذاری، کنترل و پاسخگو کردن نهادهایی اثرگذار بر زندگی آنان فراهم کند و سبب افزایش فرصت‌ها و امنیت و بهبود وضع درآمدی فقرا شود.

تغییر مسیر سازمان‌های مردم‌نهاد از ماهیگیری به ماهی‌دادن را می‌توان با نقدی تبیین کرد که نظریه «نهادگرایی» بر مفهوم توانمندسازی وارد می‌کند. به این شکل که مفهوم توانمندسازی به نهادهایی توجه ندارد که به ارزش‌ها، شیوه‌های قومی، آداب‌ورسوم و قوانین رسمی و غیررسمی دلالت دارند، روش‌های کمابیش بسیطی از فناوری و قوانین حاکم بر تعاملات اجتماعی را پدید می‌آورند، بر رفتار انسانی تأثیر می‌گذارند و آن را محدود می‌کنند. همچنین توانمندسازی به نقشی که باورهای ذهنی جمعی، مشترک و نهادینه‌شده در استمرار کنش جمعی و جهت‌دهی به آن دارند، عنایتی ندارد؛ درحالی‌که کنش‌هایی که به قدرت‌بخشی به افراد و گروه‌ها منتهی می‌شود، تنها با تداوم کنش‌های جمعی متجلی در قالب نهادها امکان‌پذیر است. داوطلب کد ۱۹ به تغییر رویه سازمان‌های مردم‌نهاد از آموزش ماهیگیری به ماهی‌دادن، این‌طور واکنش نشان می‌دهد: «می‌دونین؟ به نظر من سازمان‌های مردم‌نهاد، منابع اصلی‌شون به یاد دادن ماهیگیری به فقرا اختصاص پیدا می‌کنه، ولی ناچار این سازمانا باید به تعداد ماهی بهشون بدن که بتونن زنده بمونن، بعد بهشون ماهیگیری یاد بدن.»

همه این شرایط در حالی بوده است که سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای تحقق استعاره ماهیگیری دو روش را در پیش گرفته بودند: نخست، آن‌ها اشتغال‌زایی را محور فعالیت‌های خویش قرار داده و بر ایده کارآفرینی تأکید داشته‌اند؛ دوم آنکه با مهیاسازی مشاغل خانگی برای گروه‌های فقیر نظیر تولید محصولات خانگی (ترشی و رب انار و سبزی و لوبیا) و برگزاری جشنواره و بازارچه، اجاره و تهیه غرفه و انجام تبلیغات و بازاریابی، مشاغل خدماتی (سرایداری، آبدارچی و نظافتچی)، مشاغل فنی (کار برقی، کارهای مونتاژ قطعات یدکی و لوله و تهیه ابزار کار) و مهارت‌آموزی (مهارت‌های کامپیوتری، حسابداری، آرایشگری، تزریقات، خیاطی، گلدوزی، چرم‌دوزی، بافتنی، گلیم‌بافی، قالی‌بافی، تولید کیسه‌های پارچه‌ای، کیف، جامدادی، جاسوئیچی، زیورآلات و جعبه کادو) برای مددجویانشان و معرفی آنان به کارآفرینان تلاش می‌کنند تا با افزایش قابلیت‌های مددجویان سبب کاهش فقر آن‌ها شوند. این روال سازمان‌های مردم‌نهاد با مفهوم «فقر قابلیت» ارتباط دارد که فقر را بی‌بهرگی از قابلیت‌های پایه و توانایی برطرف کردن نیازهای اساسی مانند تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و قابلیت‌های بنیادی نظیر امکان بهره‌مندی از فرصت‌های زندگی، استطاعت لازم به‌منظور مشارکت در زندگی اجتماعی، مقابله با بلایای طبیعی و بیماری‌ها تعریف می‌کند که فقرا را از حق انتخاب کردن و انتخاب‌شدن و برخورداری از امکان یک زندگی شرافتمندانه محروم کرده است. در این روال، برنامه‌های فقرزدایی کارآمد هدفمند و بلندمدت است، قابلیت‌های فردی را افزایش می‌دهد و حقوق تضییع‌شده فرد را به او بازمی‌گرداند.

اذعان خود داوطلبان بر عدم موفقیت در تأسیس و تداوم کارگاه کارآفرینی و دشواری اشتغال‌زایی نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد در مسیر عملیاتی کردن استعاره ماهیگیری با چالش‌های متعددی دست‌به‌گریبان بوده‌اند. داوطلبان از بهانه‌گیری فقرا برای

کار کردن و رد پیشنهادهای شغلی توسط آنان شکایت دارند و آن را نوعی تنبلی قلمداد می‌کنند؛ درحالی‌که در مصاحبه با فقرا متوجه می‌شویم علت عدم پذیرش پیشنهادهای شغلی از جانب فقرا، نوعی دوراندیشی و ملاحظات خاص آنان است. آنان عموماً به دلیل شرایط نامناسب کاری پیشنهادشده مانند درآمد کم، سختی زیاد، دوری محل کار و صرف نصف حقوق دریافتی برای رفت‌وآمد و درمان بیماری‌های ناشی از کار یا شرایط خاص زندگی آن‌ها مثل سالمندی یا داشتن سالمند و عضو معلول در خانواده، ابتلا به بیماری و تمایل آنان به کسب درآمد در کوتاه‌مدت برای تأمین هزینه نیازهای اولیه، از پذیرش پیشنهادهای شغلی سازمان‌های مردم‌نهاد امتناع ورزیده‌اند.

بی‌اعتمادی مددجویان به سازمان مردم‌نهاد برای ایجاد فرصت‌های شغلی و محدودیت منابع سازمانی مانند کمبود بودجه برای اشتغال‌زایی و کمبود منابع انسانی متخصص در سازمان برای مثال در زمینه بازاریابی، دیگر چالش‌های سمن‌ها در این مسیر به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر وجود فرهنگ خیرات ارزاق به‌جای اشتغال‌زایی در جامعه، از دیگر چالش‌های پیش‌روی استعاره ماهیگیری سازمان‌های فقرزدا بوده است.

چالش‌های پیش‌روی این سازمان‌ها در راستای محقق‌ساختن این استعاره را می‌توان با نظریه «بوم‌شناسی سازمانی» شرح داد. این نظریه عنوان می‌کند که شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر توفیق یا شکست سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد؛ زیرا هر سازمانی برای انجام برنامه‌های خویش نیاز به منابعی دارد که از محیط به‌دست می‌آید و هرچه سازمانی در رقابت با سازمان‌های مشابه بتواند منابع درون‌سازمانی (نیروی متخصص) و منابع برون‌سازمانی (منابع مالی و مشروعیت سیاسی) برای برنامه یا برنامه‌های مورد نظر خود جمع‌آوری کند، احتمال توفیق در اجرای آن برنامه یا برنامه‌ها و بقای سازمان افزایش می‌یابد.

داوطلب کد ۱۸ چالش کمبود نیروی انسانی و منابع مالی این‌گونه شرح می‌دهد: «ایجاد اشتغال برای این افراد، به ایده‌پردازی جدی می‌خورد؛ یعنی کسی که بتونه کارهای مارکتینگ انجام بده و به مدل‌های بیزینس مسلط باشه. در عین حال بتونه بازارهای فروشی رو پیدا کنه که مناسب باشه؛ چون ما رسیده بودیم به مرحله‌ای که هر چیزی تولید می‌شد که شامل تولیدات دوختنی و بافتنی بود، توی بازارچه‌های خیریه داشتیم می‌فروختیم، عملاً برای خانواده‌ها درآمدی نداشت.»

جدول ۶. خرده‌مقولات مقوله قلاب کج ماهیگیری و درماندگی از آموزش آن

خرده‌مقولات	مقوله اصلی
الزام به پیروی از استعاره ماهیگیری	قلاب کج ماهیگیری و درماندگی از آموزش آن
محوریت فعالیت با اشتغال آفرینی	
فقرزدایی قابلیت	
چالش دوگانه تنبلی‌انگاری سازمانی / دوراندیشی فقرا	
چالش بی‌اعتمادی مددجویان به سازمان	
چالش محدودیت منابع سازمانی	
چالش فقدان نیروهای متخصص در سازمان	
چالش شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه ایران	

۵-۵. آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی سنگین در زندگی فقرا

مطلعان و فقرا از وجود آسیب‌هایی در محیط خانواده‌های فقیر گزارش می‌دهند. خشونت خانگی به‌ویژه علیه زنان و کودکان زیاد است. از طرفی، پایین‌بودن سواد جنسی موجب اعمال خشونت جنسی علیه زنان شده است. مشکلات معیشتی برخی زنان فقیر را مجبور

کرده است که برای به‌دست‌آوردن اندکی پول و غذا تن به روابط نامشروع بدهند. نیازهای مادی فقرا و زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی که مناطقی جرم‌خیز هستند، آنان را به سمت ارتکاب جرائمی مانند دزدی و فروش مواد مخدر سوق داده است. همچنین مطلعان و فقرا به بحران‌های خانوادگی طبقه فرودست اشاره می‌کنند. این بحران‌ها شامل اعتیاد سرپرست یا یکی از اعضای خانواده به مواد مخدر، سیگار و مشروبات الکلی، طلاق، ازدواج با فرد نامناسب، زندگی در محیط خانوادگی پرتنش و بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی می‌شود. این آسیب‌ها و بحران‌ها مفهوم «بی‌سازمانی اجتماعی» را به ذهن متبادر می‌سازد. فقیر کد ۳ تجربه خود از یکی از این آسیب‌ها را این‌گونه شرح می‌دهد: «من بار اول که ازدواج کردم مجبور شدم طلاق بگیرم؛ چون شوهرم اعتیاد داشت و من نمی‌دونستم... سه چهار ماه ترک کرد و بچه‌دار شدیم و شروع کرد به کراک و هروئین کشیدن و دیگه درنیومد. هی بهش می‌گفتم برو ترک کن، الکی می‌گفت باشه، ولی ادامه می‌داد. وقتی حامله بودم منو می‌زد.»

یا فقیر کد ۵ تنش‌های خانوادگی را که با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند، این‌گونه تفسیر می‌کند: «من یه دانش‌آموز ۱۳ ساله‌ام. اول مشکلم خانواده‌من. چند سال پیش مامانم مرد و من الان مجبورم با بابام و داداش‌هام زندگی کنم که شیشه می‌کشن و معتادن. منو مجبور می‌کنن صب تا شب کار کنم تا خرج موادشون رو دربیارم.»

همچنین مطلعان در گفته‌هایشان به مسائلی که در خانواده‌های فقیر وجود دارد، مانند نابرابری جنسیتی، اشاره می‌کنند. خانواده‌های فقیر تمایل شدیدی به داشتن فرزند پسر دارند و علی‌رغم شرایط نامناسب اقتصادی حاضرند آن‌قدر فرزندآوری کنند تا صاحب فرزند پسر شوند. همچنین در این خانواده‌ها، نگاه برابر به دختر و پسر در زمینه آموزش، اشتغال و مهارت‌آموزی وجود ندارد. به پسران به چشم نیروی کار نگاه می‌شود و دختران باید در خانه بمانند و تنها به امور خانه‌داری بپردازند. از سوی دیگر، دخترانی که در چنین خانواده‌هایی پرورش پیدا می‌کنند، از ابتدا تحت انقیاد پدر و برادر و بعد از ازدواج، همسر خود قرار می‌گیرند. کودکان فقیر در محیط خانواده قربانی خشونت‌های کلامی، فیزیکی و جنسی می‌شوند؛ به این صورت که والدین و اطرافیان‌شان به آن‌ها توهین می‌کنند، کتک می‌زنند و ممکن است اعضای خانواده یا غریبه‌ها به آن‌ها تعرض کنند. در برخی خانواده‌ها کودکان با اصرار خانواده مجبور می‌شوند زیر سن قانونی ازدواج کنند و بچه‌دار شوند یا ناچارند برای کمک به معیشت خانواده، کارهای موقت و سطح پایینی مثل کارگری و دست‌فروشی انجام دهند که آن‌ها را در معرض انواع خشونت‌ها قرار می‌دهد.

فقیر کد ۵ تجربه خود از خشونت در محیط خانواده و کار را این‌گونه تشریح می‌کند: «من توی مترو دست‌فروشی می‌کنم، آدم‌ها رفتارهای بدی باهام می‌کنن. یه بار به یکی اصرار کردم ازم جوراب بخره، منو هل داد. یا یه بار یکی به جای اینکه پول چیزی که خریده بود بده دستم، پرت کرد تو صورتم. خانواده‌م منو به بهانه‌های جورواجور کتک می‌زنن. این تیزی‌هایی که رو دستمه کار اون‌هاست.»

داوطلبان و مطلعان بر این باورند که انسان‌های فقیر ارتباط اجتماعی ضعیفی دارند و شبکه ارتباطی آنان محدود به اجتماع فقرا است. در ارتباط و صحبت با افراد طبقات دیگر دچار مشکل هستند و از حضور در فعالیت‌های اجتماعی سر باز می‌زنند. داوطلب کد ۱ این مسئله را به این صورت توصیف می‌کند: «این‌ها کمتر می‌رن توی جامعه، کمتر می‌بینن، کمتر می‌شنون. با دنیای بیرونی خیلی ارتباطشون کمه، این‌ها همه خودشون با خودشون، چیز جدیدی یاد نمی‌گیرن و همه مثل هم‌ان.»

براساس گفته‌های مطلعان و فقرا می‌توان گفت قشر ضعیف جامعه به سبب درآمد پایین، عدم دسترسی به مسکن استاندارد، تغذیه مناسب و آب سالم و نیز بی‌بهرگی از زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، به احتمال زیاد به انواع بیماری‌ها و اختلالات جسمانی و روانی (سوءتغذیه، معلولیت، بیماری‌های ژنتیکی، بیماری‌های دهان و دندان، آرتروز، دیابت، بیماری‌های پوست و مو، بیماری‌های زنان، بدبینی، افسردگی، اضطراب، بیش‌فعالی و لکنت زبان) مبتلا می‌شوند. یکی دیگر از مسائل و دشواری‌هایی که در زندگی روزمره افراد کم‌برخوردار وجود دارد، مشکلات آموزشی و تحصیلی است؛ چون آن‌ها به دلیل فقر مالی نمی‌توانند هزینه شهریه، کلاس‌های فوق‌برنامه و ابزارهای

آموزشی را تأمین کنند؛ به طوری که این ناتوانی در پرداخت‌های آموزشی، به مدرسه فرستادن کودکان و ادامه تحصیل آن‌ها در دانشگاه را برای خانواده‌های فقیر به یک آرزو و حسرت بدل ساخته است. از سوی دیگر، اکثر پدر و مادرها کم‌سواد یا بی‌سوادند؛ زیرا فقر و لزوم درآمدزایی برای گذران معاش خانواده سبب شده شرایط تحصیل آنان در دوران کودکی فراهم نباشد. مسائل آموزشی در دوران کرونا گریبان دانش آموزان فقیر را بیشتر از سایر دانش‌آموزان گرفت و آن‌ها را دچار عقب‌ماندگی یک تا دو ساله تحصیلی کرد. مطلع کد ۳ نبود امکانات آموزشی در مدارس پایین‌شهر را این‌گونه توصیف می‌کند: «اکثر مدارس هیچ امکاناتی برای دانش‌آموزان نداشت. ساختمان‌ش، کلاس‌هاش و سرویس بهداشتیش فرسوده بود. هنوز از تخته گچی استفاده می‌کردن. خبری از ویدیو پروژکتور و کلاس‌های هوشمند نبود. میز و صندلی‌هاشون اکثراً تعمیراتی بودن. یا شکسته بودن یا تخریب شده بودن توسط دانش‌آموزها.»

جدول ۷. خرده‌مقولات مقوله آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی سنگین در زندگی فقرا

مقوله اصلی	خرده‌مقولات
آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی سنگین در زندگی فقرا	خشونت خانگی
	بی‌سوادی جنسی
	تن‌فروشی
	سوء سابقه
	خانواده پرجمعیت
	اعتیاد
	ازدواج نامناسب
	طلاق
	تنش‌های خانوادگی
	بی‌سرپرستی و بدسرپرستی
	سوگیری جنسیتی
	خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی علیه کودکان
	کودک همسری
	کار کودکان
	قصد خودکشی
	ضعف یادگیری
	ضعف ارتباط‌گیری در فقرا
	تنوع بیماری‌ها و اختلالات (سوء تغذیه، معلولیت، بیماری‌های ژنتیکی، بیماری‌های دهان و دندان، آرتروز، دیابت، بیماری‌های پوست و مو، بیماری‌های زنان، بیماری‌های روانی و لکنت زبان)
	ناتوانی در تأمین هزینه‌های درمانی
	فقرا با بیمه ناکارآمد
	ناتوانی در پرداخت‌های آموزشی (ابزارهای آموزشی، شهریه و کلاس‌های فوق برنامه)
	حسرت تحصیلی فرزندان
	سرمایه فرهنگی پایین والدین و چالش ادامه تحصیل فرزندان
	عقب افتادگی تحصیلی (در دوره کرونا و به‌خاطر ناتوانی والدین در کمک‌رسانی آموزشی به فرزندان)
	زیرساخت‌های آموزشی نامناسب
	چالش تحصیل برای کودکان کار

۶-۵. ناآگاهی حقوقی فقرا

مطالعات و فقرا اذعان می‌کنند در بسیاری موارد حقوق انسان‌های بی‌بضاعت به‌ویژه در خصوص زنان به سبب فرودستی‌شان پامال می‌شود؛ زیرا در هنگام طلاق، حضانت فرزند، عدم دریافت خرجی، دزدیده شدن دارایی‌های زنان و فرزندان توسط سرپرست معتاد خانواده و متواری شدن سرپرست خانوار به دلیل ارتکاب جرم، حمایت‌های قانونی لازم را ندارند یا خود زنان از آن آگاهی ندارند. نظریات و پژوهش‌های صورت‌گرفته حاکی از نقش چشمگیر عدم تعریف و شفافیت حقوق مالکیت، ناامنی مبادله و عقد قرارداد و نبود فرصت‌های اقتصادی برابر برای آحاد جامعه به دلیل بی‌بهرگی از نظام حقوقی بی‌طرف در افزایش فقر مطلق است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶؛ تقدسی، ۱۳۹۹). براین اساس، رویکرد توانمندسازی حقوقی با در نظر گرفتن قانون و نظام حقوقی به‌عنوان تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی و فقر به‌مثابه ظرفیت‌ها و فرصت‌های محدود شده افراد برای اجرا و شکل‌دادن به حقوقشان توسط تنگناهای بیرونی می‌کوشد با تغییرات نظام‌مند، محرومان را قادر به بهره‌گیری از قوانین و خدمات حقوقی برای پیگیری حقوق و منافع خویش کند (تقدسی، ۱۳۹۹). نکته اینجا است که معمولاً سازمان‌های فقرزدای مردم‌نهاد در مواجهه با مسائل حقوقی فقرا اقدامات خاصی انجام نمی‌دهند و در نظر ندارند.

مطلع کد ۵ در این باره می‌گوید: «به خانمی رو می‌شناسم از مددجویانمونه. شوهرش از چند سال پیش به‌خاطر جعل اسناد و مدارک متواری شده و از اون موقع هیچ خبری ازش نداره. الان خودش و دوتا بچه‌هاش دچار مشکلات زیادی شدن؛ چون هر جا می‌رن و هر کاری می‌خوان بکنن، نیاز به اجازه شوهر و پدر دارن. این خانم نه می‌دونه چه جور باید از وکیل‌ها کمک بگیره، نه پولشو داره و نه قانون توی این مملکت ازش دفاع می‌کنه. چه بسا ممکنه به‌خاطر فراری بودن شوهرش سرزنش هم بشه.»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد براساس بیانات مطلعان و انسان‌های فقیر، مشکلات معیشتی فقرا مجموعه‌ای از مصائب و دشواری‌ها را برای آنان در زمینه‌های گوناگونی مثل تغذیه، مسکن، آموزش، مهارت‌اندوزی، بهداشت و روابط اجتماعی به‌وجود آورده است که به‌خودی‌خود به وقوع آسیب‌ها، بحران‌ها و خشونت و نابرابری‌های جنسیتی در محیط خانواده‌ها و تضییع حقوق آن‌ها در جامعه دامن زده و آنان را از دستیابی به خدماتی از قبیل تسهیلات بانکی و شغل مطلوب بازداشته است؛ شرایطی که سازه نظری «چرخه فقر» را یادآوری می‌کند. فقر مالی سبب شده افراد از مسکن مناسب و سایر دارایی‌های مادی اساسی محروم شوند که به ضعف جسمانی آن‌ها از طریق سوءتغذیه دامن می‌زند. افزون بر این، آن‌ها به‌خاطر کمبود دارایی نمی‌توانند با حوادث احتمالی، برای مثال کرونا، مقابله کنند که پیامد نهایی آن برای افراد فقیر آسیب‌پذیری بیشتر و کاهش منزلت آن‌ها است. درنهایت، عدم امکان شرکت در جلسات یا برنامه‌ها یا عدم پیگیری اطلاعات به‌دلیل کمبود وقت و انرژی، بی‌سوادی، دسترسی‌نداشتن به خدمات در محل زندگی فقرا و دشواری در کسب اعتبار و گرفتن وام، آن‌ها را دچار انزوا کرده که تمام این عوامل، از عوامل درونی استمرار تله فقر به‌شمار می‌روند.

یافته‌ها نشان داد فقر در زندگی فقرا چهره‌های گوناگونی دارد. فقر فراتر از حوزه اقتصادی است و انسان‌های فقیر افرادی فاقد کالاها و خدمات و منابع لازم برای کسب انواع رژیم غذایی، دستیابی به سلامت و آموزش، فاقد آگاهی حقوقی لازم برای مواجهه شدن با چالش‌های تودرتو، زندگی توأم با خشونت و نابرابری جنسیتی، فقدان مشارکت در فعالیت‌ها و داشتن استانداردهای متعارف زندگی در جامعه‌اند.

واقعیت زندگی فقرا آن هم در کلان‌شهر تهران امری بسیار پیچیده است. چالش‌های زندگی فقرا گوناگون است. آسیب‌ها و بحران‌های درون خانواده، سوگیری جنسیتی، مشکلات کودکان، ناآگاهی حقوقی فقرا، مضیقه و دشواری تأمین مسکن در کنار سایر حوزه‌های اقتصادی به شدت چشمگیر است؛ چالش‌هایی که عموماً برنامه‌ها و خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد، علی‌رغم تلاش‌ها، با آن‌ها همسو نیستند و مواجهه با واقعیت‌های مهم زندگی فقرا را در توان ندارند یا به دلایل مختلف از آن امتناع می‌ورزند. داوطلبان در تشخیص فقر صرفاً به میزان توانایی فراهم‌سازی نیازهای اولیه مانند دسترسی یا عدم دسترسی به بسته‌های غذایی، خدمات اولیه آموزشی، بهداشتی و رفاهی توجه کرده و از توجه به واقعیت‌های حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مهم زندگی فقرا ناتوان بوده‌اند. داوطلبان و فقرا اظهار می‌دارند که تحدید خدمات این سازمان‌ها به ارائه نامنظم، مقطعی و ناچیز کمک‌های معیشتی اولیه به جامعه هدف و عدم التفات به فقر مطلق و در نظر نگرفتن پوشش حمایتی برای آن، ناتوانی در تأمین مسکن، حل آسیب‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های روانی فقرا سبب شده تا این سازمان‌ها تنها روی نشانه‌های فقر متمرکز شوند؛ صرفاً یکی از هزاران مشکل فقر را برطرف کرده و نتوانسته مسائل عمده‌ای مانند مسکن، معضل اعتیاد، چالش‌های حقوقی زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، بیماری‌های جسمی و روانی، شهریه مدرسه و... را که فقرا عمدتاً از آنجا ضربه می‌خورند، حل کنند. این نتایج با نظریات «تله محرومیت»، «بوم‌شناسی سازمانی»، «ساختاری فقر» و «نهادی فقر» و پژوهش‌های لطفی خاچکی و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۸) طوسی (۱۳۸۹) و سیف‌الدین (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

از طرف دیگر، به گفته مطلعان، دلیل بارز فقر آنان، عوامل ساختاری و نهادی مانند فساد، ضعف دولت، تورم، قوانین ناکارآمد و شانس اندک زندگی به دلیل تعلق به طبقه ضعیف جامعه است که سازمان‌های مردم‌نهاد هیچ برنامه‌ای در جهت تخفیف این عوامل ندارند. حتی برنامه‌ها و فعالیت‌های سمن‌ها معطوف به علل غیرساختاری فقر مثل مهاجرت، مصیبت‌ها، بزهکاری و گداپرووری اجتماعی که داوطلبان بسیار بر آن به‌عنوان مسبب کلیدی فقر پای می‌فشارند، نیست. از سوی دیگر، داوطلبان بر این باورند که طبقات متوسط و بالای جامعه نگرشی منفی به افراد متعلق به طبقه پایین جامعه دارند، به آن‌ها اتهاماتی را وارد می‌کنند و با طرد آنان از اجتماعات و سلب فرصت‌های تحصیلی و شغلی از آنان سبب می‌شوند فقرا از کودکی تا بزرگسالی در محیط‌های تحصیلی و شغلی احساس دیگری بودن را تجربه کنند. به نظر می‌رسد سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش و رفتار طبقات متوسط و بالا با طبقات پایین جامعه نیز برنامه‌هایی نداشته‌اند.

تعدیل فقر در جامعه ایران نیازمند اجماعی بین‌سازمانی با سازمان‌های مرتبط دولتی و نیمه‌دولتی مانند وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و شهرداری، سازمان‌های حاکمیتی مثل کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌های فعال در حوزه فقرزدایی و... است. افزون بر این، در خصوص کاهش فقر، تدوین برنامه‌ای بلندمدت با قابلیت اجرایی و مورد اجماع این سازمان‌ها از ضرورت‌ها است که در آن، وظایف و اختیارات هر یک از این سازمان‌ها باید کاملاً شفاف و مشخص و امکان همکاری‌های گسترده بین‌سازمانی فراهم باشد. به‌علاوه این برنامه باید از ویژگی انعطاف‌پذیری برخوردار باشد. به این معنا که با توجه به تجارب حاصل‌شده در فرایند عملیاتی‌سازی این برنامه و با التفات به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، قابلیت تغییر مفاد آن در هر زمانی مهیا شود. در همین راستا، پژوهشگر به محققان دیگر توصیه می‌کند در صورت تمایل، مطالعاتی را با محوریت «ارائه مدل مطلوب اجماع سازمانی در حوزه فقرزدایی» انجام دهند.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «فقر و انواع برنامه‌های فقرزدایی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران»، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابوالفضلیان، نرگس (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد دین‌محور در فقرزدایی: رویکرد توانمندسازی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. به راهنمایی مهدی خداپرست مشهدی. دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- تقدسی، عبدالله (۱۳۹۹). *توانمندسازی حقوقی فقرا (مفاهیم، مبانی و روش‌ها): رفع موانع توسعه از خلال حاکمیت قانون*. چاپ اول. قم: حقوق اسلامی.
- حمایت‌خواه، مجتبی و رضایی، ابوالفضل (۱۴۰۲). تحلیل فرایند توانمندسازی مددجویان (از دیدگاه مددکاران نهادهای حمایتی و خیریه‌ای مشهد). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۲)، ۳۳۱-۳۴۸. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.343269.1308>
- حمیدیان، اکرم (۱۳۹۶). *نابرابری، فقر، طرد اجتماعی*. چاپ اول. تهران: جامعه‌شناسان.
- دفتر مطالعات رفاه اجتماعی (۱۴۰۱). *پایش فقر در سال ۱۴۰۰*. وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی.
- سجادی، سید محسن، یوسفی، محمدرضا، و خسروی‌زاده، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و فقر با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی. *معرفت/اقتصاد اسلامی*، ۲(۱۶): ۶۱-۸۲.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه وحید محمودی. تهران: دستان.
- طوسی، ندا (۱۳۸۹). ارزیابی رویکرد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مرتبط با سازمان بهزیستی شهر تهران در فقرزدایی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. به راهنمایی پویا علاءالدینی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمزای (۱۳۹۳). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*. ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور. تهران: روزنه.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۱). *مشارکت مردمی در سایه سازمان‌های غیردولتی*. تهران: ملت‌ما.
- کامروزمن، پالاش (۱۳۹۸). *دلاریزه‌شدن فقر*. ترجمه محسن نیازی، صدیقه پیری و حسن پیری. تهران: روش‌شناسان و جامعه‌شناسان.
- لطفی خاچکی، بهنام و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۹). مطالعه موانع شناساندن مسائل اجتماعی به جامعه توسط سازمان‌های مردم‌نهاد با روش نظریه‌مبنایی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۱): ۱۳۱-۱۶۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.280354.859>
- مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (۱۴۰۰). *بررسی وضعیت فقر و نابرابری در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸*. گروه رصد و ارزیابی.
- Abolfazlian, N. (2017). *The role of religious NGOs in Poverty alleviation: Empowerment approach*. Master's Thesis. Supervisor: Mehdi Khodaparast Mashhadi. University of Ferdowsi, Faculty of Economic and Administrative Sciences. (In Persian)
- Ajamoglu, D., & Robinson, J. (2013). *Why Nations Fail: The Roots of Power, Wealth, and Poverty*. Translated by: M. Mirdamadi & M. H. Naimipour. Tehran: Rozaneh Publishing House. (In Persian)
- Aldrich, H. (1979). *Organizations and environments*. California: Stanford University Press.
- Bureau of Social Welfare Studies. (2022). *Poverty monitoring in 1400*. Ministry of Labor, Cooperative and Social Welfare. (In Persian)
- Chambers, R. (2016). *Rural development: giving priority to the poor (supporting vulnerable groups)*. Translated by: Mustafa Azkia. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Ghasemi Pakro, M. (2011). *People's participation in the shadow of non-governmental organizations*. Tehran: Mellat-e Ma. (In Persian)
- Granovetter, M. (1983). The Strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited. *Sociological Theory*, 1, 201-233. <https://doi.org/10.2307/202051>
- Hemayatkhah, M., & Ramezani, A. (2023). Analyzing the Process of Empowerment Clients (From the point of view of the Workers of the support and Charitable Institutions of Mashhad). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12(2), 331-348. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.343269.1308> (In Persian)
- Higher Institute of Social Security Research (2020). *Investigating the situation of poverty and inequality in Iran between 1380 and 1398*. Observation and Evaluation Group. (In Persian)

- Hamidian, A. (2016). *Inequality, poverty, social exclusion* (1st Edition). Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Kamrozman, P. (2018). *Dollarization of poverty*. Translated by: M. Niazi, S. Piri, & H. Piri. Tehran: Methodologists and sociologists. (In Persian)
- Lotfi Khachaki, B. & Imani Jajermi, H. (2019). Studying the obstacles of introducing social issues to the society by non-governmental organizations using the grounded theory method. *Social Studies and Research in Iran*, 9(1), 131-160. <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.280354.859> (In Persian)
- Sajjadi, M., Yousefi, M., & Khosrovizadeh, M. (2016). Investigating the mutual relationship between property rights and poverty with emphasis on Islamic economic literature. *Knowledge of Islamic Economics*, 2(16), 61-82. (In Persian)
- Saifuddin, A. (2006). NGO perception of poverty in Bangladesh: Do their Programmes match the reality? *Master Thesis*. Bergen University, Norway). Retrovied from ProQuest Dissertations & Theses.
- Sen, A. (2002). *Development as freedom*. Translated by: V. Mahmoudi. Tehran: Dostan. (In Persian)
- Taghadosi, N. (2019). *Legal empowerment of the poor (concepts, principles and methods): removing obstacles to development through the rule of law* (1st Edition). Qom: Islamic Law Publications.
- Tusi, N. (2009). Evaluation of the approach and activity of non-governmental organizations related to the welfare organization of Tehran city in poverty alleviation. *Master's Thesis*. Under the dynamic guidance of Alaa Al-Dini. Tehran: University of Tehran, Faculty of Social Sciences. (In Persian)